



ترفندهای خرید هوشمندانه برای هدیه دادن؛ سرمایه گذاری یادآورآمدروزانه

سکه طلا

یا حباب هیجان؟

از انواع سکه طلا موجود در بازار کدام گزینه برای کسب سود بیشتر امن تر است؟



مونا موسوی

هفت صبح

در شرایط فعلی بازار طلا و سکه در ایران، قیمت سکه امامی به حدود ۹۷.۵ میلیون تومان رسیده که نزدیک به ۱۲ میلیون تومان آن حباب است. این یعنی حدود ۱۲.۳ درصد از قیمت سکه امامی ناشی از هیجان بازار و نه ارزش ذاتی آن است. با وجود این، سکه امامی همچنان نقدشوندگی بالایی دارد و در معاملات رسمی و غیررسمی بیشترین گردش را دارد.

در مقابل، سکه بهار آزادی با قیمت حدود ۹۰ میلیون تومان و حبابی در حدود ۴ میلیون تومان، کم حباب ترین گزینه بازار محسوب می شود. این سکه برای سرمایه گذاران بلندمدت که به دنبال حفظ ارزش دارایی با ریسک پایین هستند، گزینه ای مناسب تر است. درصد حباب آن حدود ۴.۴ درصد است که در مقایسه با سایر انواع سکه بسیار پایین تر است. نیم سکه با قیمت ۵۲ میلیون تومان و حبابی نزدیک به ۱۰ میلیون تومان، حدود ۱۹.۲ درصد از قیمتش را حباب تشکیل می دهد. با وجود این میزان ن حباب، نیم سکه یکی از محبوب ترین گزینه ها در بازار خرد است، زیرا قدرت خرید بسیاری از مردم به خرید سکه های کامل نمی رسد و نیم سکه به عنوان جایگزینی قابل دسترس تر مطرح است.

ربع سکه با قیمت حدود ۳۱ میلیون تومان و حبابی در حدود ۱۰ میلیون تومان، بیش از ۳۲ درصد از قیمتش را حباب تشکیل می دهد. این میزان حباب به ویژه در صورت اصلاح قیمت ها یا کاهش تقاضا نشان دهنده ریسک بالای این نوع سکه است. با این حال، به دلیل قیمت پایین تر، همچنان در بین خریداران خرد جایگاه دارد. سکه گرمی نیز با قیمت حدود ۱۵ میلیون تومان و حبابی بیش از ۵.۵ میلیون تومان حدود ۳۶.۶ درصد حباب در بازار است. این نوع سکه بیشتر برای هدیه یا خرید احساسی استفاده می شود و از نظر سرمایه گذاری، ریسک بسیار بالایی دارد و نقدشوندگی آن نیز محدود است.

با توجه به این تحلیل، سکه بهار آزادی به عنوان گزینه ای با کمترین حباب و بیشترین ثبات، برای سرمایه گذاری بلندمدت توصیه می شود. سکه امامی با وجود حباب بالا، به دلیل نقدشوندگی و پذیرش عمومی، همچنان جایگاه خود را حفظ کرده است. نیم سکه نیز با وجود ریسک حباب، به دلیل تناسب با قدرت خرید مردم، در بازار خرد بسیار محبوب است. در مقابل، خرید ربع سکه و سکه گرمی در شرایط فعلی با ریسک بالایی همراه است و تنها در صورت نیاز به خریدهای کوچک یا هدیه قابل توجیه است. در نهایت، رفتار بازار نشان می دهد که مردم بیشتر به سمت خرید نیم سکه و ربع سکه گرایش دارند، چرا که نقدینگی محدود و تورم بالا باعث شده تا حفظ ارزش دارایی حتی با ریسک حباب اولویت پیدا کند.

نقش حباب سکه در سودآوری

حباب سکه یکی از مفاهیم کلیدی در تحلیل بازار طلا و سکه است که تأثیر مستقیمی بر تصمیم گیری سرمایه گذاران دارد. زمانی که قیمت بازار یک سکه به طور قابل توجهی بالاتر از ارزش ذاتی آن باشد، اصطلاحاً حباب گفته می شود که سکه دارای حباب است. ارزش ذاتی سکه بر اساس وزن طلای خالص، قیمت جهانی طلا، نرخ ارز و حق ضرب محاسبه می شود. اگر قیمت واقعی سکه در بازار از این مقدار بیشتر باشد، یا «حباب مثبت» مواجه هستیم که نشان دهنده هیجان یا تقاضای بیش از حد در بازار است. در مقابل، اگر قیمت بازار کمتر از ارزش ذاتی باشد، «حباب منفی» داریم که معمولاً در شرایط رکود یا کاهش تقاضا رخ می دهد.

برای محاسبه ارزش ذاتی سکه، معمولاً از فرمولی استفاده می شود که در آن قیمت اونس جهانی طلا تقسیم بر ۳۱.۱ (برای تبدیل به گرم)، ضرب

در نرخ دلار و وزن طلای سکه (حدود ۸.۱۳ گرم برای سکه تمام) و سپس ضرب در ضریب خلوص ۰.۹ (برای طلای ۹۰۰ عیار) انجام می شود. در نهایت، حق ضرب نیز به این عدد اضافه می شود. به عنوان مثال، اگر قیمت اونس جهانی ۳۹۰۰ دلار و نرخ دلار ۹۶ هزار تومان باشد، ارزش ذاتی سکه تمام بهار آزادی حدوداً ۸۵ میلیون تومان است. اگر این سکه در بازار به قیمت ۹۰ میلیون تومان معامله شود، حدود ۴ میلیون تومان آن حباب است.

دلایل شکل گیری حباب در بازار سکه متعدد است. افزایش تقاضا در شرایط تورمی یا بی ثباتی اقتصادی، کاهش عرضه از سوی بانک مرکزی، انتظارات تورمی، عوامل روانی و رسانه ای و ورود نقدینگی سرگردان به بازار از جمله مهم ترین عوامل هستند. در چنین شرایطی، مردم برای حفظ ارزش دارایی خود به خرید سکه روی می آورند، حتی اگر بخشی از قیمت آن ناشی از هیجان بازار باشد. بنابراین، آگاهی از میزان حباب و مقایسه آن بین انواع سکه ها مانند تمام، نیم، ربع و گرمی، برای تصمیم گیری هوشمندانه بسیار حیاتی است.

در حالی که قیمت سکه امامی به مرز ۹۷.۵ میلیون تومان رسیده و بیش از ۱۲ میلیون تومان آن حباب است، بازار سکه ایران با ترکیبی از هیجان، نقدینگی محدود و سیاست های کنترلی بانک مرکزی در حال بازتعریف مسیر خود است. تحلیل دقیق حباب ها و رفتار سرمایه گذاران نشان می دهد که نیم سکه و ربع سکه با وجود ریسک بالا، همچنان محبوب ترین گزینه ها هستند. اما سود بیشتر در سکه تمام است



چرا سیگنال های طلا صعودی شدند؟

بازار سکه در ایران در شهریور ۱۴۰۴ در نقطه ای حساس قرار گرفته است. در سطح جهانی، طلا پس از نوسانات مردادماه در آستانه یک منطقه تصمیم گیری قرار داشت. سطح ۳۸۰۰ دلار به عنوان حمایت کوتاه مدت شناخته می شد و با تثبیت روی آن صعودی شد. در حالی که افت تا ۳۵۰۰ دلار محتمل خواهد بود، اما اگر طلا بتواند از مقاومت ۴۰۰۰ دلار عبور کند، احتمال آغاز یک رالی صعودی جدید وجود دارد. این موضوع می تواند به رشد قیمت سکه در بازار داخلی منجر شود، به ویژه اگر همزمان با آن نرخ دلار در ایران در کانال بالای ۱۰۰ هزار تومان تثبیت شود. در چنین شرایطی، بازار سکه می تواند وارد فاز جدیدی از رشد شود که با کاهش تدریجی حباب و افزایش ارزش واقعی همراه خواهد بود. در بازار داخلی، سکه امامی در مردادماه با رشد ۹.۴۵ درصدی، برنده اصلی بازار بود، در حالی که طلای جهانی با رشدی ۲.۴۴ درصدی داشت. این تفاوت عملکرد نشان می دهد که بازار سکه ایران بیش از آن که تابع طلا باشد، تحت تأثیر مستقیم نرخ ارز و انتظارات تورمی داخلی قرار دارد. این وابستگی به دلار باعث شده تا نوسانات ارزی نقش تعیین کننده ای در رفتار قیمت سکه داشته باشند، به ویژه در شرایطی که انتظارات تورمی در جامعه بالا است و تقاضا برای دارایی های امن افزایش یافته است.

چه کسانی در بازار طلا برنده شدند؟

تحلیلگران معتقدند که در صورت تثبیت نرخ دلار در محدوده فعلی، بازار سکه تمایل به حفظ روند صعودی خواهد داشت. در این سناریو، حباب قیمتی سکه ها به تدریج تخلیه می شود و رشد قیمت ها بیشتر بر پایه ارزش واقعی خواهد بود. این وضعیت می تواند به تعادل بیشتر در معاملات و کاهش ریسک سرمایه گذاری منجر شود. در مقابل، اگر نرخ دلار اصلاح شود یا فضای سیاسی کشور به سمت آرامش حرکت کند، احتمال افت قیمت سکه و بازگشت به کف های مرادماه وجود دارد. چنین اصلاحی می تواند موجب افزایش فشار فروش در بازار و کاهش جذابیت



تأثیر عرضه های سکه توسط بانک مرکزی

الته عرضه های بانک مرکزی در بازار سکه ایران، به ویژه در شهریور ۱۴۰۴، نقش بسیار مهمی در کنترل هیجانات قیمتی و مدیریت انتظارات تورمی ایفا کرده اند. نتایج این اقدام نشان داد که قیمت های نهایی به طور قابل توجهی پایین تر از نرخ بازار آزاد بودند؛ به طوری که سکه امامی با حدود ۸ میلیون تومان سود بالقوه، نیم سکه با بیش از ۵ میلیون تومان و ربع سکه با حدود ۳.۷ میلیون تومان اختلاف نسبت به بازار معامله شدند. همچنین مرحله دوم، پیش فروش سکه با سررسید ۳۰ آذر ۱۴۰۴ بود که با سهمیه مشخص برای هر فرد حقیقی (۱۵ قطعه شامل انواع مختلف سکه) و قیمت های قطعی از پیش اعلام شده اجرا شد. هر چند فاصله زمانی سه ماهه بین پرداخت وجه و تحویل سکه، خود نوعی ریسک محسوب می شود. با این حال، عرضه یک میلیون قطعه سکه در این طرح به عنوان یک سیگنال قوی از سوی بانک مرکزی تلقی شد که نشان دهنده عزم جدی برای کنترل بازار و جلوگیری از شکل گیری حباب های جدید است.

در چنین شرایطی، سرمایه گذاران باید با دقت بیشتری به تحلیل ارزش ذاتی سکه ها، میزان حباب و رفتار بازارهای موازی توجه کنند تا بتوانند تصمیمات کمریسک تری اتخاذ کنند.

در شرایطی که در صد حباب برخی انواع سکه به بیش از ۳۰ درصد رسیده، شناخت دقیق ارزش ذاتی و دلایل شکل گیری حباب به یکی از مهم ترین ابزارهای تصمیم گیری سرمایه گذاران تبدیل شده است. این گزارش با بررسی فرمول های محاسبه ارزش واقعی، رفتار خریداران و نقش بانک مرکزی، تصویری روشن از سودآوری و ریسک در بازار سکه ارائه می دهد

سکه به عنوان ابزار حفظ ارزش شود. رفتار سرمایه گذاران نیز در حال تغییر است. در شرایط فعلی، بسیاری از خریداران خرد به سمت صندوق های سرمایه گذاری مبتنی بر طلا متمایل شده اند. دلیل این تغییر، کاهش ریسک های مربوط به نگهداری فیزیکی سکه و افزایش شفافیت در معاملات بورسی است. این روند نشان می دهد که بازار در حال عبور از فاز هیجانی به سمت رفتارهای منطقی تر و مبتنی بر تحلیل است. سرمایه گذاران به جای خرید مستقیم سکه با حباب بالا، ترجیح می دهند از ابزارهای مالی استفاده کنند که امکان مدیریت بهتر ریسک و نقدشوندگی را فراهم می سازد.

در مجموع، سه سناریوی اصلی برای آینده بازار سکه قابل تصور است. نخست، سناریوی صعودی که در آن تثبیت یا رشد نرخ دلار همراه با عبور طلا از مقاومت های جهانی منجر به رشد قیمت سکه و کاهش نسبی حباب می شود. دوم، سناریوی اصلاحی که در آن افت نرخ دلار یا کاهش تقاضا باعث تخلیه حباب و کاهش قیمت سکه ها خواهد شد و سوم، سناریوی نوسانی که در آن نوسانات همزمان در دلار و طلا بازار را در حالت بی تصمیمی نگه می دارد و فرصت های کوتاه مدت برای نوسان گیران ایجاد می کند.

بررسی و تحلیل سیاست ارزی بانک مرکزی

در چنین شرایطی، سیاست ارزی بانک مرکزی در موقعیت حساسی قرار گرفته است؛ جایی میان فشارهای ساختاری اقتصاد و الزامات اصلاحی که نمی توان بیش از این به تعویق انداخت. ساختار فعلی ارز، با نرخ های چندگانه و تخصیص های ترجیحی، عملاً به نفع واردکنندگان بزرگ و حلقه های رانتی عمل می کند؛ گروه هایی که با دسترسی به منابع ارزان، سودهای کلان می برند، بی آن که الزام به بازگشت ارز یا شفافیت در عملکرد داشته باشند. در مقابل، تولیدکنندگان داخلی و مصرف کنندگان نهایی، بار اصلی تورم و نوسانات را به دوش می کشند. این شکاف، دنبال اصلاحات پایدار و کاهش نارضایتی عمومی است، باید به جای ترس از تبعات کوتاه مدت، به طراحی یک مسیر تدریجی، مشروط و شفاف برای تکرار شدن آن روی آورد مسیر اصلاح حکمرانی اقتصادی، نه صرفاً کنترل قیمت.

در نهایت، آنچه باید مورد توجه قرار گیرد، این است که ساختار فعلی ارز نه تنها به نفع مردم نیست، بلکه به زیان تولید، شفافیت و عدالت اقتصادی است. اگر دولت واقعاً به دنبال اصلاحات پایدار و کاهش نارضایتی عمومی است، باید به جای ترس از تبعات کوتاه مدت، به طراحی یک مسیر تدریجی، مشروط و شفاف برای تکرار شدن آن روی آورد مسیر اصلاح حکمرانی اقتصادی، نه صرفاً کنترل قیمت.



تدریجی با حفظ کنترل» دانست. این نهاد در موقعیت کنونی نمی تواند با نزدیک کردن نرخ های رسمی به نرخ بازار، فاصله قیمتی را کاهش دهد و زمینه را برای حذف رانت های ارزی فراهم کند، بی آن که شوک ناگهانی به بازار وارد شود. اما به طور قطع در این مسیر، ابزارهایی مانند دالان نوسان، عملیات بازار باز، تقویت سامانه های ارزی و شفاف سازی تخصیص منابع، نقش کلیدی در کنترل نرخ ایفا می کنند. بانک مرکزی به خوبی آگاه است که بدون مهار تورم، هرگونه تلاش برای تثبیت نرخ ارز محکوم به شکست است. از این رو، هماهنگی با سیاست های مالی دولت، کنترل کسری بودجه، و حفظ نرخ سود واقعی مثبت، به عنوان پیش شرط های ضروری در دستور کار قرار گرفته اند. در کنار این اقدامات، تمرکز بر بازگشت ارز حاصل از صادرات، تسهیل واکداری مستقیم ارز به واردکنندگان، و کاهش وابستگی به منابع غیرشفاف، از دیگر محورهای سیاست ارزی جدید خواهد بود.

در مجموع، مسیر پیش روی بانک مرکزی باید نقشه راه مشروط، مرحله بندی شده و مبتنی بر شاخص های اقتصادی باشد در غیر این صورت، تداوم وضعیت فعلی، تنها به تعمیق بحران ها و فرسایش بیشتر منابع ارزی کشور خواهد انجامید.

شکست مذاکرات پوتین و ترامپ درباره صلح اوکراین و ظهور ائتلاف مشتاقان در اروپا

یخ صلح در آلاسکا نگرفت



به نظر می‌رسد تلاش‌های دیپلماتیک برای پایان دادن به جنگ اوکراین، به‌ویژه پس از نشست آلاسکا بین دونالد ترامپ و ولادیمیر پوتین و نشست واشنگتن با حضور سران اروپا، عملاً به بن‌بست رسیده است. مذاکرات آلاسکا که با هدف دستیابی به توافق صلح پایدار برگزار شد، به دلیل عدم اعطاف روسیه و فقدان اجماع بر سر تضمین‌های امنیتی، نتیجه ملموسی نداشت. در نشست واشنگتن نیز، اختلافات میان اروپا و آمریکا بر سر نقش نظامی واشنگتن در اوکراین پس‌جنگ، شکاف‌های عمیق را آشکار کرد.

دونالد ترامپ با رد اعزام نیروهای زمینی و تأکید بر حمایت محدود هوایی، عملاً انتظارات اروپا را برآورده نکرد. در این میان، اروپا به رهبری فرانسه و با تشکیل «ائتلاف مشتاقان»، سناریوی موزاری را کلید زده است. این ائتلاف با تمرکز بر تضمین‌های امنیتی مستقل از آمریکا، به دنبال تقویت موقعیت اوکراین در برابر تهدیدات آتی روسیه است. نشست پیش‌رو در پاریس نشان‌دهنده عزم اروپا برای پیشبرد برنامه‌ای مستقل است اما وابستگی به پشتیبانی آمریکا و مخالفت صریح مسکو با حضور نیروهای ناتو، چالش‌های بزرگی را پیش روی این ابتکار قرار داده است.

پاریس، محور تلاش‌های جدید اروپا برای اوکراین

فرانسه روز پنجشنبه میزبان نشست‌ستی عمدتاً مجازی با حضور حدود ۳۰ کشور خواهد بود تا در مورد ارائه تضمین‌های امنیتی به اوکراین پس از توافق صلح احتمالی با روسیه گفت‌وگو کند. به گزارش دفتر امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، این نشست به بررسی پیشرفت‌های اخیر در زمینه تضمین‌های امنیتی و پیامدهای امتناع روسیه از مذاکره صلح خواهد پرداخت. «ائتلاف مشتاقان» که در فوریه ۲۰۲۵ توسط فرانسه و انگلیس شکل گرفت، ماه‌هاست مذاکراتی را برای تعریف نقش نظامی اروپا در اوکراین دنبال می‌کند.

این ائتلاف شامل کشورهای اروپایی، ترکیه، کانادا و استرالیا است و هدف آن ایجاد چارچوبی برای حمایت نظامی از اوکراین در دوران پس‌سازجنگ است. با این حال، تلاش‌های این ائتلاف به دلیل وابستگی به تضمین‌های امنیتی آمریکا متوقف شده بود. دیپلمات‌ها تأکید کرده‌اند که هرگونه نقش نظامی اروپا در اوکر این بدون پشتیبانی واشنگتن ناپایدار خواهد بود. در این نشست، برنامه‌ریزی‌های اخیر فرماندهان نظامی بررسی خواهد شد و ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، نیز برای تقویت هماهنگی‌ها حضور خواهد یافت. زلنسکی در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس از حمایت قاطع مکرون قدردانی کرد و خواستار واکنشی قاطع به تعلل روسیه در مذاکرات شد.

چالش‌های تضمین امنیتی و نقش آمریکا

اظهارات اوروزلا فون در لاین، رئیس کمیسیون اروپا، نشان‌دهنده خوش‌بینی محتاطانه‌ای به نقش آمریکا در تضمین‌های امنیتی اوکراین است. او در مصاحبه با فایننشال تایمز ادعا کرد که دونالد ترامپ موافقت کرده حضور نامشخصی از نیروهای آمریکایی را برای حمایت از صلح در اوکراین تضمین کند. با این حال، ترامپ در گفت‌وگو با فنته‌های نیوز و دیلی کالر صراحتاً اعزام نیروهای زمینی را رد کرده و تنها به احتمال پشتیبانی هوایی اشاره کرده است.

این موضع با انتظارات اروپا که به دنبال تعهدات محکم‌تر از واشنگتن است، در تضاد قرار دارد. از سوی دیگر، کرملین حضور نیروهای ناتو یا اروپایی در اوکراین را به شدت رد کرده و آن را عاملی برای تشدید بحران می‌داند. دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین، گسترش ناتو در اروپای شرقی را یکی از دلایل اصلی جنگ اوکراین در سال ۲۰۲۲ عنوان کرد و دیدگاه منفی مسکو به حضور نظامی غرب را تکرار نمود. این مخالفت، همراه با عدم تمایل روسیه به مذاکره مستقیم با زلنسکی، پیچیدگی‌های دیپلماتیک را افزایش داده است.

تهدیدات فزاینده و ضرورت بازدارندگی

مارک روته، دبیر کل ناتو، در کنفرانسی خبری نسبت به تهدیدات روزافزون روسیه علیه اعضای ناتو هشدار داد و تأکید کرد که فناوری موشکی روسیه تمام اروپا را در تیررس قرار داده است. او با اشاره به توان موشکی روسیه که می‌تواند در عرض چند دقیقه به شهرهای اروپایی برسد، بر اهمیت تقویت بازدارندگی و دفاع ناتو تأکید کرد. روته همچنین از تعهد لوکرامبورگ برای حمایت نظامی از اوکراین قدردانی کرد و گفت که ناتو در هفته‌های اخیر ۲ میلیارد دلار تجهیزات نظامی به اوکراین ارسال کرده است.

با این حال، کاهش حمایت عمومی در اروپا از ادامه کمک به اوکراین، چالش دیگری است. نظر سنجی YouGov نشان می‌دهد که تمایل به حمایت از اوکراین در کشورهای اروپای غربی کاهش یافته و بسیاری از شهروندان خواستار حل‌وفصل مسالمت‌آمیز حتی به قیمت واگذاری سرزمین هستند. این موضوع فشار بر رهبران اروپا را افزایش داده تا راه‌حلی پایدار ارائه دهند، در حالی که وابستگی به آمریکا و مقاومت روسیه همچنان موانع اصلی هستند. در مجموع، نشست پاریس نشان‌دهنده تلاش اروپا برای پیشبرد سناریویی مستقل در حمایت از اوکراین است، اما موفقیت آن به هماهنگی با آمریکا و مدیریت تنش‌ها با روسیه بستگی دارد. با توجه به شکست مذاکرات قبلی و پیچیدگی‌های موجود، مسیر صلح در اوکراین همچنان پرچالش است.

رئیس اتحادیه اروپا مدعی شد دونالد ترامپ موافقت کرد حضور نامشخصی از نیروهای آمریکایی را برای حمایت از صلح در اوکراین تضمین کند. با این حال، ترامپ در گفت‌وگو با فاکس نیوز و دیلی کالر صراحتاً اعزام نیروهای زمینی را رد کرد

سیاست

روزنامه صبح ایران | سال پانزدهم | شماره ۲۳۹۶ | پنجشنبه | ۱۳ شهریور ۱۴۰۴ |

به ۳۶۷ درصد در صورت توافق جامع سخن گفته است. ترکیب این دو پیام متضاد، بخشی از تاکتیک دیپلماتیک تهران است که از یک سواعلام آمادگی برای مصالحه می‌کند و از سوی دیگر تهدید به خروج از چارچوب‌های بین‌المللی در صورت تداوم فشارها، چنین دوگانه‌ای نشان می‌دهد که ایران در پی حفظ اهرم‌های فشار متقابل است تا در صورت بازگشت تحریم‌های سازمان ملل، بتواند پاسخی متناسب ارائه دهد. خروج از NPT، بی‌تردید تبعات سنگینی خواهد داشت و ایران را در معرض اتهامات جدید قرار می‌دهد، اما طرح آن در فضای فعلی، بیش از آنکه یک تصمیم قطعی باشد، یک ابزار فشار سیاسی برای بازدارندگی غرب و مدیریت افکار عمومی داخلی است.

نقش روسیه و چین: قطعنامه جدید یا بازی مقصرنمایی؟

تحرکات دیپلماتیک روسیه و چین در شورای امنیت نیز بُعد تازه‌ای از معادلات را آشکار ساخته است. پیش‌نویس قطعنامه‌ای که این دو کشور ارائه کرده‌اند، از یک سو خواستار ازسرگیری فوری مذاکرات میان همه طرف‌های برجامی شامل آمریکا و اروپایی‌ها شده و از سوی دیگر، برخی از بدهای حمایتی پیشین از ایران را حذف کرده است. این حرکت را می‌توان تلاشی برای ایجاد تعادل میان مواضع غرب و ایران دانست. با این حال، بسیاری از تحلیلگران معتقدند این پیش‌نویس بیشتر کارکردی نمادین دارد. روسیه در پی آن است که نشان دهد برای جلوگیری از بحران تلاش کرده، حتی اگر نتیجه نهایی شکست باشد. از نگاه ایران، اهمیت این اقدام نه در محتوای قطعنامه، بلکه در حفظ یک جبهه سیاسی با چین و روسیه است؛ جبهه‌ای که می‌تواند مانع از شکل‌گیری اجماع کامل غربی بین‌المللی علیه تهران شود.

مذاکره عاقلانه یا بازگشت به چرخه تحریم‌ها؟

در این میان، اظهارات علی لاریجانی، دبیر تازه‌نفس شمام مبنی بر اینکه «راه مذاکره با آمریکا بسته نیست»، نشان می‌دهد که تهران همچنان به مسیر دیپلماسی باور دارد، هرچند شرط آن را «مذاکره عاقلانه» و پرهیز از طرح موضوعاتی می‌داند که عملاً نیاز نیست ایجاد می‌کند. این موضع، همراه با ابتکار مجلس برای همکاری با چین و روسیه در ارائه قطعنامه جایگزین و نیز تأکید پزشک‌یکان بر گفت‌وگوی برد-برد، حاکی از آن است که ایران به دنبال بازنگه داشتن روزه‌های دیپلماسی است، حتی در بامحوه تهدیدهای تحریمی.

اما واقعیت این است که هرچه به موعد تصمیم‌گیری نزدیک‌تر می‌شویم، هزینه‌ها و ریسک‌ها نیز افزایش می‌یابد. اگر اروپا بر انسپنیک پافشاری کند و نهایتاً شاهد بازگشت قطعنامه‌ها باشیم و ایران به سمت کاهش تعهدات یا حتی خروج از NPT برود، بحران وارد مرحله‌ای می‌شود که مدیریت آن دشوار خواهد بود. در عین حال، تجربه سسال‌های گذشته نشان داده که بسیاری از قطعنامه‌ها بیش از آنکه اثر عملی جدی بر اقتصاد ایران داشته باشند، کارکرد روانی و سیاسی داشته‌اند. به همین دلیل، سرنوشت پرونده هسته‌ای در هفته‌های آینده، نه فقط در اتاق‌های مذاکره، بلکه در مدیریت افکار عمومی، میزان انسجام داخلی و توانایی ایران در بهره‌برداری از ظرفیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تعیین خواهد شد. پرسش اصلی این است که آیا طرف‌ها قادر خواهند بود با اتخاذ رویکردی واقع‌گرایانه، مسیر مذاکره عاقلانه را بازنگه دارند یا بار دیگر جهان شاهد بازگشت به چرخه تحریم‌ها و بحران‌های فرسایشی خواهد بود؟



تهران معتقد است که غربی‌ها از ابزار آژانس برای مشروعیت‌بخشی به فشارهای سیاسی استفاده می‌کنند؛ همان‌گونه که گزارش‌های این نهاد در گذشته دستاویز اسرانیل و آمریکا برای پیشبرد قطعنامه‌های محدودکننده شد.

آژانس انرژی اتمی و چالش اعتماد متقابل

اظهارات اخیر محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی، نشان‌دهنده عمق شکاف بی‌اعتمادی میان ایران و آژانس است. او به صراحت گفت مشکل اصلی در مدیریت آژانس، شخص رافائل گروسی است که «تحت تأثیر نظام سلطه عمل می‌کند». به باور تهران، دوگانگی‌ها و استانداردهای گزینشی در برخورد آژانس با برنامه هسته‌ای ایران، نتیجه همین مدیریت جانبدارانه است. بازرسی اخیر دو نماینده آژانس از فرآیند تعویض سوخت در نیروگاه بوشهر، هرچند در چارچوب قانونی و با مجوز شورای عالی امنیت ملی انجام شد اما نتوانست فضای اعتماد را بهبود بخشد. از نگاه ایران، هر همکاری باید براساس قوانین مکتوب سازمان ملل و تعهدات دوطرفه باشد، نه بر پایه فشارهای سیاسی. در همین راستا، جلسات متوالی میان وزارت خارجه و آژانس در حال برگزاری است تا چارچوبی مشخص برای ادامه همکاری‌ها ترسیم شود. در واقع، تهران معتقد است که غربی‌ها از ابزار آژانس برای مشروعیت‌بخشی به فشارهای سیاسی استفاده می‌کنند؛ همان‌گونه که گزارش‌های این نهاد در گذشته دستاویز اسرائیل و آمریکا برای پیشبرد قطعنامه‌های محدودکننده شد. به همین دلیل، مسئله اعتماد نه یک اختلاف فنی، بلکه یک بحران سیاسی است که رفع آن نیازمند تغییر رویکرد مدیریتی آژانس خواهد بود.

دیپلماسی فعال در شانگهای؛ پزشک‌یکان واروغان در یک جبهه

همزمان با بالاگرفتن تنش‌ها برسر انسپنیک، حضور مسعود پزشک‌یکان در اجلاس سازمان همکاری شانگهای به فرصتی برای فعال‌سازی دیپلماسی منطقه‌ای ایران بدل شد. او در دیدار با رجب طیب اردوغان، بر آمادگی ایران برای مذاکره با آمریکا بر مبنای «به رسمیت شناختن حقوق هسته‌ای» تأکید کرد و هشدار داد که هرگونه اقدام اروپایی‌ها برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه، به معنای پایان تمام گفت‌وگوها و تعاملات خواهد بود. اردوغان نیز در موضعی کم‌سابقه، فعال شدن مکانیسم ماشه را «غیرسازنده» دانست و گفت تنها نتیجه آن تقویت نقشه‌های اسرائیل خواهد بود. این مواضع ترکیه که در سال‌های اخیر میانجیگری میان تهران و غرب را کمتر برعهده گرفته بود، نشان می‌دهد که تحولات اخیر ابعاد منطقه‌ای نیز پیدا کرده و کشورهای همسایه در پی آن‌اند تا نقش فعال‌تری در مهار بحران ایفا کنند.

دیپلماسی چندجانبه پزشک‌یکان در شانگهای همچنین فرصتی برای تعمیق روابط اقتصادی و سیاسی با چین و روسیه فراهم آورد؛ دو کشوری که مخالفت خود را با انسپنیک اعلام کرده‌اند و تلاش دارند از طریق ارائه قطعنامه‌های جدید در شورای امنیت، روند فشار حداکثری غرب را به چالش بکشند.

مجلس و سناریوی خروج از NPT؛ ابزار فشار یا گزینه واقعی؟

یکی از تحولات مهم اخیر، طرح موضوع خروج ایران از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) در مجلس بود. در این باره اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه تأکید کرده که در صورت تصویب چنین قانونی، دولت به لحاظ حقوقی موظف به اجرا خواهد بود. این موضع‌گیری در حالی مطرح می‌شود که همزمان، ایران از آمادگی برای کاهش سطح غنی‌سازی خود می‌گیرد.



تحرکات دیپلماتیک در آستانه بازگشت قطعنامه‌های شورای امنیت تکاپوی دیپلماسی نفسگیر در وقت اضافه

سرنوشت پرونده هسته‌ای نه فقط در اتاق‌های مذاکره، بلکه در مدیریت افکار عمومی و توانایی ایران در بهره‌برداری از روابط بین‌المللی تعیین خواهد شد



به بن‌بست می‌انجامد. همزمان، اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه در گفت‌وگو با رسانه‌های غربی از احتمال کاهش سطح غنی‌سازی به ۳۶۷ درصد در صورت حصول توافق جامع خبر داد، در حالی که مجلس ایران سناریوی خروج از معاهده NPT را روی میز گذاشته است. در جبهه دیگر، روسیه با همکاری چین پیش‌نویس قطعنامه‌ای جدید را ارائه داده که ضمن نزدیک شدن نسبی به مواضع غرب، بر ضرورت ازسرگیری فوری مذاکرات تأکید دارد. این تحرکات موزاری نشان می‌دهد که بازیگران مختلف در پی آن‌اند تا بحران را یا مدیریت کنند یا بار مسئولیت شکست را بر دوش دیگری بگذارند. در مجموع، هرچقدر به لحظه تصمیم‌نزدیک می‌شویم، تقابل حقوقی و سیاسی برسر آینده برجام و حق هسته‌ای ایران ابعاد تازه‌ای به خود می‌گیرد.

حسین فاطمی هفت صبح

هرچه به روزه‌های سرنوشت‌ساز بازگشت احتمالی قطعنامه‌های شش‌گانه شورای امنیت علیه ایران نزدیک‌تر می‌شویم، تکاپوهای دیپلماتیک در سطوح مختلف افزایش یافته و صحنه‌ای پیچیده از رایزنی‌های فشرده، مواضع متعارض و ابتکارات تازه در برابر نگاه ناظران بین‌المللی قرار گرفته است. از یک سو، سه کشور اروپایی به همراه آمریکا بر طبل «انسپنیک» می‌کوبند و شروطی سخت‌گیرانه را برای توقف این روند مطرح می‌کنند؛ شروطی که تهران آنها را فاقد مشروعیت و نشانه‌ای از سوءنیت طرف‌های غربی می‌داند. در مقابل، مقامات ارشد ایرانی از جمله رئیس سازمان انرژی اتمی، صراحتاً اعلام کرده‌اند فعال‌سازی مکانیسم ماشه نه غیرمنطوره است و نه موضوعی تازه، بلکه اقدامی پیش‌بینی‌شده در چارچوب فشارهای همیشگی غرب برای تسلیم ایران است. در همین حال، سفر مسعود پزشک‌یکان به اجلاس شانگهای و دیدار با سران چین، روسیه، پاکستان و ترکیه بُعد دیگری به دیپلماسی ایران داده است؛ جایی که پزشک‌یکان از آمادگی تهران برای گفت‌وگو با آمریکا «بر اساس به رسمیت شناختن حقوق هسته‌ای» سخن گفت و اردوغان نیز هشدار داد که مکانیسم ماشه هیچ نفعی ندارد و تنها

گزارش

پیام متفاوتی که به جامعه جهانی مخابره شد

چین، امپراتور جدید آب‌ها

رقابت دریایی چین و آمریکا نه تنها نظامی، بلکه بخشی از نبرد برای سلطه اقتصادی و سیاسی در قرن بیست‌ویکم است

در آستانه رزمایش بزرگ چین، تحلیل‌های نظامی نشان‌دهنده خیز خاموش نیروی دریایی ارتش آزادی‌بخش خلق (PLAN) برای گسترش توان خود است. چین با سرمایه‌گذاری کلان در صنعت کشتی‌سازی و تولید سریع‌تر کشتی‌های جنگی، در حال تغییر موازنه قدرت دریایی در برابر ایالات متحده است. به ادعای بی‌بی‌سی، این کشور با بیش از ۳۷۰ کشتی جنگی، بزرگ‌ترین ناوگان دریایی جهان را در اختیار دارد و با سرعتی بی‌سابقه به توسعه زیردریایی‌های اتمی، ناوهای هواپیمابر و تسلیحات پیشرفته مانند موشک‌های مافوق صوت و پهلوادهای می‌پردازد. در مقابل، نیروی دریایی آمریکا با ۲۱۹ کشتی، اگرچه از نظر فناوری و تناژ برتری دارد اما با کاهش ظرفیت کشتی‌سازی و چالش‌های زیرساختی مواجه است. رزمایش پیش‌رو که با حضور رهبرانی چون ولادیمیر پوتین و کیم جونگ اون برگزار می‌شود، نه تنها نمایش قدرت نظامی چین، بلکه پیامی سیاسی به غرب است. این تحولات، نگرانی‌های استراتژیک آمریکا و متحدانش را در منطقه آسیا-اقیانوسیه تشدید کرده و نشان‌دهنده عزم چین برای تثبیت هژمونی دریایی،

به‌ویژه در دریای چین جنوبی و به چالش کشیدن نظم جهانی تحت رهبری ایالات متحده است. **شتاب بی‌سابقه در کشتی‌سازی چین** چین در دو دهه اخیر با سرمایه‌گذاری عظیم در صنعت کشتی‌سازی، ظرفیت تولید خود را به حدود ۲۰۰ برابر آمریکا رسانده و بیش از ۶۰ درصد سفارشات جهانی کشتی‌سازی را به خود اختصاص داده است. این برتری، نیروی دریایی چین را به بزرگ‌ترین ناوگان جهان با ۳۷۰ کشتی جنگی تبدیل کرده است، در حالی که آمریکا تنها ۲۱۹ کشتی دارد. نیک چایلدز، کارشناس انستیتی بین‌المللی مطالعات راهبردی، این پیشرفت را «خیره‌کننده» توصیف می‌کند و تأکید دارد که چین از نظر کمی و کیفی در حال جبران فاصله با آمریکا است. کارخانه‌های کشتی‌سازی مانند دالیان، گوانگژو و جیانگنان بین سال‌های ۲۰۱۹ تا ۳۹.۲۰۳ کشتی جنگی با ظرفیت ۵۵۰ هزار تن تولید کرده‌اند که از کل تناژ نیروی دریایی بریتانیا بیشتر است. این کارخانه‌ها با استراتژی «دغام نظامی – غیرنظامی» هم‌کشتی‌های تجاری و هم‌کشتی تولید می‌کنند که به چین مزیت استراتژیک و اقتصادی می‌دهد. رزمایش پیش‌رو، با نمایش موشک‌های





شهرنشینی، مهاجرت و فشار اقتصادی میلیون ها نفر را مجرد نگاه داشته است

مجرد بودن می صرفه؟



رامتین لطیفی
دبیر بین الملل

سبک زندگی مجردی روزگاری در بسیاری از فرهنگ‌ها امری نامتعارف و حتی نکوهیده به شمار می‌رفت. خانواده، ازدواج و فرزندآوری ستون‌های اصلی حیات اجتماعی بودند و کسی که این مسیر را دنبال نمی‌کرد، گویی در حاشیه جامعه قرار می‌گرفت اما جهان امروز داستان دیگری دارد: شهرنشینی، مهاجرت، فشار اقتصادی، تغییر ارزش‌ها و افزایش امید به زندگی، همگی موجب شده‌اند میلیون‌ها نفر در سراسر جهان زندگی مجردی را انتخاب کنند یا ناگزیر به آن تن دهند. حالا پرسش مهم این است که هزینه این انتخاب در کشورهای مختلف چقدر است؟ آیا مجرد بودن ارزان‌تر تمام می‌شود یا ازدواج و تشکیل خانواده همچنان به‌صرفه‌تر است؟

آمریکا: ازدواج همچنان یک سرمایه‌گذاری

ایالات متحده کشوری است که خانواده و ازدواج در آن جایگاهی ویژه دارد. هرچند در دهه‌های اخیر سنت‌های خانوادگی زیر فشار فردگرایی، آزادی‌های فردی و تحولات اجتماعی قرار گرفته اما همچنان در لایه‌های فرهنگی و به‌ویژه در میان جوامع مذهبی، تشکیل خانواده همچنان یک ارزش محوری و مهم محسوب می‌شود. طبق تازه‌ترین داده‌های مرکز سرشماری آمریکا، از میان بیش از ۲۵۸ میلیون بزرگسال، حدود ۱۸ میلیون نفر مجرد هستند؛ یعنی نزدیک به نیمی از جمعیت بالغ کشور. این آمار نسبت به دهه ۱۹۶۰ بیش از دو برابر شده است. با این حال، مردم آمریکا اصطلاحی دارند که می‌گویند: «مجرد مانیدن در آمریکا مالیات دارد». مطالعات مؤسسه فناوری ماساچوست نشان می‌دهد در ایالتی مانند کارولینای جنوبی، هزینه زندگی یک فرد مجرد به طور متوسط سالانه ۲۹۸۸۰ دلار است، در حالی که هزینه یک زندگی دو نفره ۴۷۴۸۳ دلار برآورد می‌شود. اگر این مبلغ را به‌طور مساوی تقسیم کنیم، سهم هر نفر در زندگی مشترک کمتر از ۲ هزار دلار خواهد بود؛ یعنی زندگی دو نفره هزاران دلار به‌صرفه‌تر تمام می‌شود. این تفاوت بیش از هر چیز ناشی از هزینه مسکن است که در زندگی مشترک بین دو نفر تقسیم می‌شود. ازدواج در آمریکا مزایای دیگری هم دارد: از تخفیف‌های مالیاتی پس از اصلاحات ۲۰۱۷ گرفته تا امکان دریافت وام‌های بزرگ‌تر برای خرید مسکن. به بیان ساده، مجرد بودن نه تنها فرد را از حمایت مالیاتی محروم می‌کند، بلکه او را با هزینه‌های درمان، بیمه و اجاره سنگین‌تری روبرو می‌سازد.



فرانسه: رفاه اجتماعی فراتر از وضعیت تأهل
در فرانسه، نگاه به زندگی مجردی و متأهلی بیش از آنکه از منظر اقتصادی تعریف شود، بر کیفیت زندگی و حمایت‌های اجتماعی استوار است. دولت فرانسه با نظام بیمه درمانی فراگیر، یارانه‌های غذایی و اجاره‌بهای کنترل‌شده در بسیاری از شهرها، شرایطی فراهم کرده که مجرد بودن یا ازدواج کردن، از نظر مالی تفاوت چشمگیر نداشته باشد. طبق داده‌های رسمی، هزینه زندگی یک فرد مجرد در فرانسه حدود ۹۵۰ یورو در ماه (بدون اجاره خانه) است. در حالی که هزینه زندگی یک خانواده چهار نفره نزدیک به ۳۴۰۰ یورو برآورد می‌شود. به بیان دیگر، نسبت هزینه‌ها در فرانسه به شکل منطقی‌تر از آمریکا توزیع شده است. از سوی دیگر، تفاوت زندگی در شهرهای بزرگ و مناطق روستایی چشمگیر است. در پاریس، اجاره یک آپارتمان کوچک برای یک فرد مجرد می‌تواند تا ۱۲۰۰ یورو در ماه برسد، در حالی که در مناطق جنوبی یا غربی کشور همین خانه با کمتر از ۵۰۰ یورو اجاره داده می‌شود. این اختلاف موجب شده بسیاری از مجردها برای کاهش هزینه‌ها به شهرهای کوچک‌تر مهاجرت کنند. به عبارت دیگر، ازدواج در فرانسه می‌تواند فرد را از حاشیه شهر یا شهرهای کوچک به مرکز شهرهای اصلی و بزرگ بیاورد.

هند: مجردی ارزان، ازدواج ناگزیر
هند به‌عنوان یکی از کشورهای پرجمعیت و کمتر توسعه‌یافته، چهره‌ای متفاوت از زندگی مجردی نشان



کترین بیگلو، کارگردان سرشناس برنده اسکار، شب گذشته در هشتاد و دومین جشنواره ونیز با اکران فیلم جدیدش «خانه‌ای از دینامیت» پس از هشت سال غیبت به صحنه سینما بازگشت. بیگلو در کنفرانس خبری ونیز با صراحت خواستار خلع سلاح هسته‌ای در جهان شد و گفت: «ما در خانه‌ای از دینامیت زندگی می‌کنیم. نابودی دنیا چه دفاعیه‌ای می‌تواند باشد؟ باید ذخیره کلاهک‌های هسته‌ای را کاهش دهیم.» او این فیلم را دعوتی برای بازاندیشی درباره تسلیحات هسته‌ای دانست.

ینگه دنیا

عشق بهتر است یا ثروت؟

مرز باریک تصمیم‌های عاشقانه در دنیای امروز و رقابت نفسگیر قلب و حساب بانکی



قاره‌های اولیه هستند، در حالی که این رقم برای نسل ایکس و بومرها به ترتیب ۳۷ و ۲۲ درصد است. از سوی دیگر، نسل زد بیشتر به تقسیم برابر هزینه‌ها باور دارد و کمتر به نقش سنتی مردان در پرداخت تکیه می‌کند و ۳۱ درصد از آن‌ها حداقل یک بار رابطه‌شان را به دلیل انتظار تقبل مالی هزینه‌ها توسط مرد قطع کرده‌اند.

دیدگاه روان‌شناختی: چرا عشق و پول درهم تنیده‌اند؟

از منظر روان‌شناسی، عشق و منابع مالی دو عامل کلیدی در موفقیت روابط بلندمدت هستند. تحقیقات نشان می‌دهد مردان بیشتر به عشق وزن می‌دهند، در حالی که زنان بر ثبات مالی تأکید دارند. این با مفهوم «هیپرگامی» یا تمایل به ازدواج با کسی که وضعیت مالی بالاتری دارد، همخوان است و در جوامع مختلف با شدت‌های متفاوت دیده می‌شود. در نهایت، این نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند که عشق همچنان در صدر اولویت‌ها قرار دارد اما پول در روزگار جدید سبای‌ای بلند بر آن انداخته است. نسل جوان با فشارهای اقتصادی، به شفافیت و استقلال مالی اهمیت بیشتری می‌دهد و عشق را در بستری متعادل و واقعی می‌خواهد.

شفافیت مالی: کلید موفقیت روابط مدرن

مطالعه سلف فایننشال همچنین به جنبه‌های عملی روابط می‌پردازد. ۴۷ درصد معتقدند رابطه‌شان تأثیر مثبت مالی داشته است. ۴۵.۷ درصد برای صرفه‌جویی در هزینه‌هایی مانند اجاره، به دنبال شریک عاطفی می‌گردند. ۴۰.۴ درصد حتی پیش از آشنایی، وضعیت مالی طرف مقابل را شرط می‌دانند. اما چالش‌ها کم نیستند: ۸۶.۶ درصد اختلاف مالی در رابطه تجربه کرده‌اند و ۴۱.۴ درصد گفته‌اند مسائل مالی علت جدایی بوده است. نسل جوان در این زمینه پیشرو است. بر اساس نظرسنجی اپلیکیشن شیم، ۵۰ درصد از نسل زد و هزاره علاقه‌مند به بحث شفاف مالی در

در دنیای امروز که تورم و هزینه‌های زندگی سر به فلک کشیده، انتخاب بین عشق واقعی و ثبات مالی به یکی از چالش‌های بزرگ نسل جوان تبدیل شده است. بر اساس نظرسنجی جدیدی از هزار بزرگسال آمریکایی، زنان به طور میانگین انتظار دارند شریک زندگی‌شان سالانه ۱۱۰ هزار دلار درآمد داشته باشد، در حالی که مردان این رقم را ۹۰ هزار دلار می‌دانند اما وقتی پای انتخاب سخت به میان می‌آید، ۴۶ درصد ترجیح می‌دهند پول را بر عشق مقدم بدانند. نسل زد حتی در این عرصه نیز مصمم‌تر عمل می‌کند، به طوری که نیمی از آن‌ها حاضرند عشق را فدای امنیت مالی کنند. این نظرسنجی که توسط موسسه سلف فایننشال انجام شده، نشان‌دهنده تناقضی عمیق در جامعه آمریکایی است. از یک سو، ۶۳ درصد پاسخ‌دهندگان می‌گویند حتی اگر به معنای سختی مالی باشد، برای عشق ازدواج می‌کنند. از سوی دیگر، وقتی مجبور به انتخاب شوند، نزدیک به نیمی پول را انتخاب می‌کنند. این آمار نه تنها بازتاب فشارهای اقتصادی بر زندگی عاطفی است، بلکه نشان می‌دهد چگونه روابط عاشقانه در عصر دیجیتال و بحران‌های مالی، بیش از همیشه با محاسبات بانکی گره خورده‌اند.

انتظارات درآمدی: رویایی فراتر از واقعیت

در این نظرسنجی، انتظارات مالی از شریک زندگی به طرز چشمگیری بالاست. حدود ۲۵ درصد پاسخ‌دهندگان معتقدند شریک‌شان باید بیش از ۱۵۰ هزار دلار در سال درآمد داشته باشد. ۱۰ درصد حتی به ۲۵۰ هزار دلار فکر می‌کنند و ۵ درصد، یعنی یکی از هر ۲۰ نفر، انتظار درآمدی بیش از ۵۰۰ هزار دلار دارند. این ارقام در حالی مطرح می‌شود که میانگین درآمد سالانه آمریکایی‌ها تنها ۶۲ هزار دلار است؛ یعنی انتظارات بسیاری از افراد ۲ تا ۸ برابر واقعیت جامعه است. این شکاف بزرگ بین آرزوها و واقعیت، به ویژه در میان نسل جوان برجسته است. نسل زد که با بحران‌های اقتصادی مانند رکود و تورم بزرگ شده، بیش از نسل‌های قبلی به ثبات مالی اهمیت می‌دهد. ۴۶ درصد از آن‌ها نمی‌خواهند با کسی که شغل ندارد وارد رابطه شوند، حتی اگر عاشق باشند. اما جالب اینجاست که ۵۴ درصد هنوز به «رابطه جادویی فقیرانه» که ترکیبی از عشق خالص و واقع‌بینی مالی است، علاقه‌مند هستند.

تناقض اولویت‌ها: عشق برنده است یا پول؟

همانطور که گفته شد، عوامل اقتصادی نقش

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



آینده هالند و اسپایدرمن در هاله‌ای از ابهام!

تام هالند، ستاره محبوب دنیای سینمایی مارول، پیش از اکران «مرد عنکبوتی: روزی نو» در سال ۲۰۲۶، درباره آینده‌اش در نقش پیتربارکر سخنان گفت. این فیلم، بخشی از فاز ششم مارول و آخرین اثر پیش از دو حماسه پایانی «انتقام‌جویان: روز رستاخیز» و «انتقام‌جویان: جنگ‌های مخفی» است که به داستان چندجهانی پایان می‌دهند. هالند در گفت‌وگو با دبایبل تأکید کرد: «تمرکز من روی ساخت فیلمی شایسته برای طرفداران است. بازخوردهای هواداران را با دقت بررسی کرده‌ام تا خواسته‌هایشان را در «روزی نو» برآورده کنیم. آینده‌ام در این نقش؟ هنوز نمی‌دانم!» او درباره لباس جدید اسپایدرمن نیز با احتیاط گفت: «الهام لباس ممکن است داستان را لو بدهد!» اما از نقش فعالش در طراحی آن خبر داد. بازدیک شدن به پایان حماسه چندجهانی، مارول و سونی هنوز برنامه روشنی برای آینده هالند در فاز هفتم اعلام نکرده‌اند. اما با محبوبیت بی‌نظیر او در نقش مرد عنکبوتی، کنار گذاشتن بعید به نظر می‌رسد.

نیوزن

کیوسک



نیویورک تایمز، عکس اصلی خود را به زلزله افغانستان و گزاریش از مردم داغ‌دیده و آسیب‌دیده در این زلزله، به ویژه کودکانی که والدین‌شان را از دست داده‌اند، اختصاص داد.

هاندلسبلت آلمان، تیترو و عکس اصلی خود را به وضعیت مالی متشنج اروپا و آشوب در بازار اوراق قرضه اختصاص داد، اتفاقی که اروپا نمی‌تواند چندان آن را تاب بیاورد.





درباره آنچه از نشست خبری همایون شجریان آغاز شد و به میدان آزادی ختم نشد

تاب آوری فرهنگ تاب مسئولیت ندارد

گروه فرهنگ و هنر | «موسیقی تا همیشه برای مردم»؛ این عنوانی است که همایون شجریان برای اجرای کنسرت رایگانی که قرار بود در میدان آزادی بر گزار کند، انتخاب کرد. شجریان که در نشست خبری از برگزاری کنسرت رایگان ۲۲ شهریور در میدان آزادی گفته بود تنها چند ساعت بعد و در پاسخ به واکنش هایی که این خبر در جامعه برانگیخت، در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «این اجرا خواسته‌ای بود که سال‌ها در دل داشتم و بارها بر زبان آورده بودم. امروز که امکان تحقق آن فراهم شده، بر خود وظیفه می‌دانم به عهد و آرزوی دیرینه‌ام پایبند بمانم و این بر نامه را برای مردم شهرم بر گزار کنم.»

غم بزرگ را به کار بزرگ تبدیل کن در بخش دیگری از این دل‌نوشته شجریان در توضیح به کسانی که این کنسرت رایگان را بخشی از برنامه‌های عادی‌سازی شرایط جامعه خوانده بودند، نوشت: «بر کسی پوشیده نیست؛ فشارهای اقتصادی، نگرانی‌های اجتماعی و بیم‌های بزرگ‌تر از آینده‌ای نامعلوم، هیچ‌کس نمی‌تواند انکار کند که ما در شرایطی دشوار زندگی می‌کنیم، اما درست در همین بستر سختی‌ها و دل‌شواری‌هاست که امید و زندگی معنا می‌یابد و موسیقی می‌تواند لحظه‌ای آرامش، همدلی و امید بیافریند. من بر این باورم که موسیقی، لحظه‌ای برای آرامش و پیوند دل‌هاست، سزاوار شادی‌اند. باور دارم که این خواسته کوچک، حق طبیعی برای همه ماست. ما زاده و پرورده نسلی هستیم که گفتند غم‌های بزرگ را به کارهای بزرگ تبدیل باید کرد.» او در نهایت خواسته بود این بستر آماده برای همدلی به قضاوت گره نخورد.

تدوید بر همدلی در دل آزادی اما خواسته همایون شجریان چنان هم از سوی منتقدان پذیرفته نشد. برگزاری

روایتی از سنتی تازه در موسیقی ایران؛ کنسرت‌های رایگان از کجا آمدند؟

از پشت‌بام تا میدان آزادی



روزی‌های عجیب کرونا، روزهای سیاه تقویم جهان است. در روزهای پایانی سال ۱۳۹۸ که مردم ایران مثل هر سال و بیش از هر زمانی، پویا و خوش هستند، حضور کرونا در ایران رسماً اعلام شد. ۳۰ بهمن ۱۳۹۸. اعلام این خبر باعث شد برگزاری نمایش‌ها، فیلم‌ها و کنسرت‌ها، همگی لغو شوند. به گواه اخبار آن روزها، در اسفندماه همان سال، خوانندگانی چون بنیامین بهادری، احسان خواجه‌امیری، بهنام بانی، گروه چارل، فرزاد فرزین، امید حاجیلی، بابک جهانبخش، رضا بهرام و... قرار بود اجراهایی روی صحنه داشته باشند. اما همه کنسرت‌ها لغو، هزینه بلیت‌ها بازگردانده و ایران برای تجربه کرونا آماده شد. اما بنیامین بهادری در تاریخ ۶ اسفند، زمان اعلامی کنسرت‌اش و در همان ساعت مشخص، برای مخاطبانش کنسرت را به صورت لایو و رایگان بر گزار کرد. کنسرتی تمام عیار با گروهی از نوازنده‌ها که روی پشت‌بام بر گزار شد. این اولین کنسرت خصوصی و رایگانی بود که تنها برای حال مردم و از روی وظیفه بر روی صحنه رفت. این نخستین کنسرت رایگان دوران کرونا بود، اما این حرکت با هنرمندان مطرحی چون کیهان کلهر، روزبه نعمت‌اللهی و غیره ادامه پیدا کرد تا هوج جدید کنسرت رایگان توسط «آکادمی آن»

که تمهیدات اجرایی برای آن اندیشیده شده؛ اما مشخص شد که معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد تنها در سطح رایتزی ستادی موضوع را مطرح کرده‌اند و در خواست روز سه‌شنبه در شورای تأمین استانداری تهران بررسی و تصمیم‌گیری می‌شود. در نهایت شهرداری منطقه ۹ اعلام کرد با امکان‌سنجی، امکان برگزاری این برنامه در میدان آزادی وجود ندارد پس باید از طریق دوم، ورزشگاه آزادی برای این اجرا استفاده شود.»



خود به صراحت این تغییر توکلی‌زاده در توضیحات مکانی کنسرت را به دلیل عدم هماهنگی‌ها و اعلام در خواست معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد دانست و ممانعت از ورود وسایل گره را نیز نتیجه همین عدم هماهنگی اعلام کرد. او در نهایت خواستار تعویق یک هفته‌ای زمان کنسرت برای مکان جدید هم شد. «جرا برنامه‌های بزرگ و فاخر تنها روی کاغذ محقق نمی‌شود و نیازمند هماه‌افزایی بین دستگاهی و تعامل سازنده است. آرزو دارم کنسرت این هنرمند محبوب در شأن هنر ایرانی و شهروندان عزیز تهرانی بر گزار شود.»

زندگی ما، زندگی غیر عادی ماست

در نهایت درخواست اجرای کنسرت در میدان آزادی که بنا به گفته مدیر برنامه‌های همایون شجریان سابقه ۵، ۶ ساله دارد لغو شد. شجریان از لغو کامل خبر داد و شهرداری از تغییر مکان و معاونت هنری سکوت کرد. این همان واقعیتی است که همایون شجریان در بخشی از پست خود نوشت: «زندگی عادی ما، همان زندگی غیر عادی ماست». این گرفته شده پشت درهای بسته معاونت هنری. با دیدارهای هم‌لانه با مسئولان مختلف، عادی نمی‌شود. این همان زندگی غیر عادی است که به خواست یک نفر برای تقویت رزومه وزارت فرهنگ و ارشادی که حالا ماه‌هاست زیر ذره‌بین مجلس قرار گرفته، تغییر نمی‌کند. این همان زندگی غیر عادی است که معاونت هنری‌اش، بیش از اقدامات به جا و موفق، هزینه‌های



آغاز شد. در ادامه این حرکت که شش سال پیش آغاز شد، امروز «آکادمی آن» با مدیریت بنیامین بهادری همچنان راه خود را ادامه می‌دهد و در دو تا تاریخ ۱۲/۱۲/۱۴۰۳ و ۱۴۰۴/۰۱/۱۴۰۳ «کنسرت برای همه» دو کنسرت رایگان بر گزار کرده است. اسفندماه سال گذشته، کنسرت بهادری با اعلام آمادگی پنجاه هزار نفر و خردادماه امسال کنسرت شهرام شکوهی با حضور سسه‌هزار نفر در تالار وزارت کشور بر روی صحنه رفتند. این اتفاق بزرگ امروز که روزی از آکادمی آن آغاز شد، حالا سرایت کرده و به کنسرتی رایگان توسط همایون شجریان رسیده است. این ایده گرچه دیگر تازه نیست اما می‌تواند ادامه خوبی برای آغاز یک اتفاق باشد به شرط آن که بر اصل ایده یعنی شفاف بودن اقتصادی پایبند باشد.

در روزهایی که مردم زیر سایه دشواری‌های اقتصادی و اجتماعی به سر می‌برند و هزینه‌های سنگین زندگی، فرهنگ و هنر را به گوشه‌ای رانده است، برگزاری کنسرتی رایگانی می‌تواند نمادی از بازگشت هنر به متن جامعه تلقی شود. این حرکت را می‌توان استمرار همان «شرافت هنری» دانست که در سال‌های اخیر، به ویژه در ایام کرونا، زمینه شکل‌گیری سنتی تازه را فراهم کرد. سنتی که از یک پشت‌بام آغاز شد و

تدبیر نامه خودک‌خان برت‌الدوله

دوره اول شماره ۲

در این روز مبارک، سیزدهم شهریور سنه ۱۲۳۱ خورشیدی، برابر با نوزدهم ذی‌القعدة ۱۲۶۸ قمری و چهارم سپتامبر ۱۸۵۲ مسیحی، اینجانب خودک‌خان برت‌الدوله، اعظم‌الاباطیل‌العالم و بزرگ خاندان دودمان ترهاتیه، در گوشه‌ای از دارالخلافه و تحت اوامر ظل سلطانیة ناصرشاه، به تحریر تدابیر ملکرانی مبادرت نمودم تا چراغ راه آیندگان باشد.

تدابیر ملوکانه در تغلب القاب

و دنبیلچه خوک می‌امیخته به خورد رعیت بی‌نوا می‌داده. معجوش نه فقط موها نروپاند، که از ریشه سوزاند. اما رعیت چون به لقب عادت کرده بود، دیگر حقیقت برایش مهم نبود. حالا حکایت این ملعون است. سر کرده گردوبازان جادوغ‌آباد که تیش در هر بازی، گردوها را به حریف تقدیم می‌کند، می‌خواهد لقبی بکر داشته باشد که باخت‌هایش را ببوشانند. با خود گفت: «این جُلقی را ببین، لقب باید چنان باشد که هم فاخر باشد، هم رعیت را سرگرم کند و هم اسپاسرها را دست به جیب.» پس بی‌آنکه پاسخی به او بدهم دیدم از «قهرمان لایو» تا «امیر استوری» و «شیخ‌الریلز»، همه را پیش‌تر برای اینفلوئنسرهای بی‌مایه خرج کرده‌اند. حتی «ژنرال فیتنس» و «سلطان ددلیفت» را به یکی داده‌اند که در لایو، فقط دمبل پلاستیکی تکان می‌داد! حالا چه خاک بر سرمان کنیم؟ مگر خدا را خوش می‌آید که سر کرده

گردوبازی بی‌لقب بماند؟ از قضا ی‌اد ایام شباب افتادم که روزی در حال گشت زدن در گروه‌های تلگرامی، چشمم به تبلیغی افتاد که یکی در برنامه‌ای تلویزیونی مردی با دو متر ریش و پشم، خود را «فیلسوف اینستاگرامی» خوانده بود، حال آنکه جز چند نقل‌قول از شازده کوچولو که هر کس باید مراقب گل خودش باشد چیزی در چنته نداشت. گفتیم: «این هم همان اسافل اما چرا باید دریات خود را خرج این اسافل کنیم. رگ غیرتم چهپند گرفت و خون در رگ‌ها جوشیدین و آن روی سنگ خودک خانی‌مان بیرون زد و همچون شیر بیشه غصب خورشیدم که.» تو سر کردی گردوبازان جادوغ‌آباد، همچون گسردوی بی‌مغزی. اولاد آدم مثل تو سر سلامت به‌گور نمی‌برد تو را چه افتاده خودت را داخل کارهای دولتی بکنی لقب بدهی لقب بگیري. مگر نشنیده‌ای که شاعر می‌گوید صلاح مملکت خوش‌شروان دانند. البته برای تو باید بگویم«کار هر خر نیست خرمن کوفتن»؟ خیال می‌کنی با چند گردوی شکسته و زمین‌بازی نباخته و تپه ندیده (رسم ادب را فراموش نکنید) می‌توانی در دیوانخانه مبارک به سسری در سرها درآوری؟ عقلت را به کار گیر و از این خیالات باطل دست بشوی!»

جسارت کرد و زبان به بی‌ادبی گشود و به حکم آنکه هر که دست از جان بشود هر چه در دل دارد بگوید زبان به پاسخ باز کرد که مگر من چه کمتر از خمیر‌خان و دیگر گردو بازار دارم که هرگز روی صعود به دور دوم جام جهانی گردو بازی را به چشم ندیده‌اند، اما همه‌شان لقب دارند یکی غزال است آن یکی شهریار، یکی عقاب است و دیگری هلی‌کوپتر، او جادوگر ست و این مهندس و آن که با فحش تیم اداره می‌کرد سلطان است. تازه در محله ما هر که را کچل اسلطان تلقی می‌گویند و به هر که کور است عین‌الله. خواننده‌های اکثر الاصول را نشنیده‌ای که با صدایی شبیه خروск، استاد و حنجره طلایی خود می‌خواندند در کوئی و برزن کنسرت زنده می‌گذارند و در استوری‌هایشان، همه را به وجد می‌آورند؟ حالا اگر رحم کنی و دست بجنبانی و لقبی به من بدهی کجای گیتی به هم می‌خورد؟ ما که هم ولایتی هستیم. اگر بتو لقب بدهیم از این بلایه خالص کنی مثل اینست که یک بنسده در راه خدا آزاد کرده‌ای. خدا ان‌شاءالله بسرهایت را ببخشد. خدا یک‌روز عمرت را صد سال کند. امروز روز غیرت است. دیگر خود می‌دانی: زاده عرضی ندارم.»

دل خودک‌خانی من از حریر نرم‌تر و از برگ گل نازک‌تر، آتش غیض و غضب چنان پولاد سرد شد و دلم به رحم آمد و دستور دادم همه رعیا را گرد هم آورند تا داد سخن سر دهم که: اهالی جادوغ‌آباد! بداند که لقب‌سازی، شهنشاه بکاری تا دیگر نه حقیقت بخواهند و نه کارایی طلب کنند.» برای آنکه مطلب خرفهم‌تر شود (در مثل مناقشه نیست) گفتیم برایش مقدمه‌ای بچینیم اما نچینیم. او که باشد که خرفهمش کنیم پس بیشتر با خود اندیشیدیم و هم‌زمان با نگاهی عاقل اندر سقیفه بر صورت بی‌نمودش خیره شدیم و یاد قدیم‌ها کردیم.

در قدیم‌الایام، که هنوز اینستاگرام و تلگرام اختراع نشده بود و رعیت به‌جای لایک با کف زدن و کپل جنبانی و ریش و پشم‌کشی حال می‌کرد، در دیار جادوغ‌آباد علیا، ابلیی بود به غایت بی‌مایه و بی‌هنر که در بازارچه، روغن مارمولک می‌فروخت تا مو بر سر طاس برویاند. رعیت هم که ساداهل بودند، باورش‌ان شد و او را «سلطان موهای زائد و زانیده» نامیدند. بعد معلوم شد روغن مارمولکش، آب پیاز بوده که با چربی موش

شهر هر کس می‌رود. ما هم زین پس سر کرده گردوبازان جادوغ‌آباد را سلطان پیروزی‌های نادیده و امپراتور فتوحات نامنظم و باخت‌های منظم می‌خوانیم تا زین پس همه در این القاب غرق شوند و از او طلب گردو نکنند.

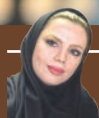
خداوند



نگاهی به بازار عطر و ادکلن و روایت هفت هزار سال عشق بشر به بوی خوش

خوش بویی با چه قیمتی؟

قیمت‌های سرسام آور، رواج عطرهای تقلبی و هجوم اسانس‌ها؛ روایتی از بازاری که خاطره، مد و اقتصاد را در شیشه‌های کوچک جاداده است



پروانه توکلی
هفت صبح

عطر، قصه‌ای است که از دود و بخور چهار هزار سال پیش تا شیشه‌های براق و وینترین‌های امروزی ادامه یافته است؛ قصه‌ای که همواره با زندگی انسان درهم تنیده بوده. مصری‌ها با عصاره سوسن و زنبق پدربه مردگان می‌کردند، اروپایی‌ها برای فرار از بوی نامطبوع خیابان‌های قرون وسطا، رایحه‌های گل و چوب را به تن می‌زدند و در ایران قدیم، گلاب و عطر گل سرخ نه‌فقط مایه خوشبویی که نشانی از آیین و فرهنگ بود، امروز اما بازار عطر و ادکلن در ایران، بیش از آنکه یادآور خاطره و سنت باشد، آینده‌ای از اقتصاد آشفته و عطش مصرف‌است؛ جایی که در کنار عطرهای اصل چندمیلیونی، قفسه‌ها پر از اسانس‌ها و بسته‌بندی‌های فیک شده است. فروشندگان با تجربه می‌گویند که مشتری ایرانی میان اصالت و قیمت سرگردان است؛ یکی عطر شش میلیونی ایرانی را به امید گواهی و سیب سلامت انتخاب می‌کند، دیگری به سراغ اسانس می‌رود که ماندگاری بیشتری دارد و ارزان تر است و عده‌ای هم هنوز به برندهای شنل و دیور وفادار مانده‌اند؛ حتی اگر بهایش را با دلار روز حساب کنند. در این میان، هشدارها درباره خطر عطرهای تقلبی هم پررنگ‌تر از همیشه است؛ عطرهایی که گاه در شیشه‌های مصرف‌شده پرمی‌شوند و سلامتی پوست و ریه را تهدید می‌کنند. بازار عطر ایران در آستانه پاییز ۱۴۰۴، بیش از آنکه بوی خوش داشته باشد، آمیخته‌ای از تنوع، تردید و تورم است.

عطر از دیرباز همراه زندگی بشر بوده است؛ هر قوم و تمدنی به شیوه‌ای خاص از رایحه‌های خوشبو بهره می‌گرفت. بخورهای معابد بین‌النهرین، گلاب ایرانی یا عصاره‌های گیاهی مصر باستان همه نشانی از علاقه کهن انسان به بوی خوش‌اند. این دل‌بستگی در طول تاریخ به جایی رسید که اروپایی‌ها با تجربه‌های علمی و شیمیایی، فرمول‌های نوینی برای ترکیب رایحه‌ها کشف کردند و بعدها صنعت جهانی عطرسازی را در اختیار گرفتند.

واژه «پرفیوم» از ریشه لاتین perfumum، به معنای «از میان دود» می‌آید؛ چراکه در آغاز، عطر چیزی جز دود حاصل از سوزاندن چوب‌ها و گیاهان معطر نبود. این همان اینسنس‌هایی است که حدود چهار هزار سال پیش در بین‌النهرین رایج شد و نخستین صورت ماندگار عطر به شمار می‌آید. در مصر، عصاره سوسن و زنبق در

گسترده این صنعت را در دست گرفت.

ادکلن بین ۳۳ تا ۳۵ درصد اسانس است و بقیه فیکساتور هست، ولی اسانس گاهی سبب ایجاد لک روی لباس می‌شود که فروشندگان با افزودن فیکساتور داخل اسانس حالت روغنی آن را می‌گیرند

عطر در ایران قدیم و ۱۰۰ دستور عطرسازی از مشرق زمین

در ایران باستان، عصاره‌گیری از گلبرگ‌های رز پایه‌گذار سنتی شد که هنوز هم با نام گلاب‌گیری در قصر و کاشان زنده است. گلاب، نخستین مایع خوشبوی فراگیر در ایران بود و از دیرباز جایگاهی آیینی و درمانی داشت. اما رایحه‌های شرقی تنها به گل رز محدود نمی‌شد؛ در سرزمین‌های خاورمیانه و شرق دور، عود، عنبر و منک نیز به‌عنوان مواد معطر ارزشمند استفاده می‌شدند. در دوران خلافت عباسی، فیلسوف و دانشمند عرب «ابویوسف کندی» کتابی با عنوان «فی صنعه العطور و التراکیب» نوشت که از نخستین متون علمی درباره عطرسازی به شمار می‌رود. در این اثر، فرمول‌های گوناگونی برای ساخت روغن‌ها، عطرها و ترکیبات خوشبو گردآوری شده بود. او همچنین شرحی از دستگاه‌های تقطیر ارائه کرد و انبلیق – وسیله‌ای که در ایران و جهان اسلام تکامل یافت – نقشه‌ای اساسی در استخراج اسانس‌ها یفا کرد. این دانش و فناوری بعدها به اروپا انتقال یافت و زیربنای پیشرفت‌های بزرگ عطرسازی مدرن شد.

بازار گرمی عطر فیک

«تقاضا برای عطر زنانه بیشتر است» و این را الطافی، مدیر فروشگاه بزرگ عطر و ادکلن فروشی در شمال غرب تهران، ۳۴ سال تجربه کاری می‌گوید: «خانم‌ها در ایران بیشتر عطر استفاده می‌کنند. دلیل خاصی ندارد شاید مردها سرشان شلوغ‌تر است. این بوتیک‌دار درباره شرکت‌های ایرانی عطر توضیح می‌دهد که چیزی به نام عطر ایرانی وجود ندارد. اسانس و شیشه عطرهای ایرانی



از خارج وارد و اینجا بسته‌بندی می‌شود. خیلی از آنها کیفیت‌های خوبی دارند و نباید با اصل‌ها مقایسه کرد، ولی قیمت‌هایشان مناسب است. عطر ایرانی را از ۱۰۰ قیمت‌ترین عطر ایرانی در فروشگاه ما حدود ۶ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان قیمت دارد و بالاتر هم هست البته.» الطافی توصیه می‌کند بهتر است مردم به جای عطر فیک، عطر ایرانی بخرند و در این باره می‌گوید: «عطر ایرانی دارای گواهی و سیب سلامت است اما در عطرهای فیک ما اصلاً نمی‌دانیم چه چیزی در شیشه‌های متفرقه پرمی‌کنند که این روزها ز یاد شده است. مردم باید شیشه‌های عطرهای خود را وقتی تمام شد بشکنند و چون خیلی‌ها آن را با مایعات مضر پرمی‌کنند و به قیمت‌های بالا به اسم عطر اصل به مردم می‌فروشند. اغلب این عطرها مشکلات سلامتی تنفسی و پوستی برای فرد ایجاد می‌کنند؛ در حالی‌که با کمی هزینه می‌توان عطر ایرانی مشابه خریداری کرد ولی باطمینان مصرف کرد.»

عطر ایرانی را از ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان به بالا می‌توان خریداری کرد و گران‌ترین‌ها تا هفت میلیون تومان قیمت دارد

اگر حالت روغنی اسانس روی دست باقی ماند، پارفین بوداده است و اگر چربی از بین رفت کیفیت عطر بالاتر است

پرطرفدارترین برندهای ایرانی در بازار عطر فروشی‌ها

الطافی از افزایش کم سابقه قیمت عطرهای اصل در سال‌های اخیر در ایران می‌گوید که با افزایش قیمت ارز، عطرهای اصل مسافرتی وارد می‌شود، قیمت‌هایشان به روز است و قیمت‌های مشخص جهانی در سایت‌ها دارند و نمی‌توان آنها را بالا یا پایین‌تر فروخت.

وی درباره عطرهای پرطرفدار اورجینال و ایرانی هم می‌گوید: «از برندهای بسیار معروف دیور هست که عطرهای بسیار معروفی دارد؛ در مردها دیور

عطر ریشه دار و فروشگاه معتبر
حشید روشنی، مدیر یک کارگری عطر فروشی است که ۲۶ سال سابقه دارد. او برخلاف الطافی معتقد است: «تقاضا برای عطرهای برند زنانه و مردها مساوی است. اعتبار، جنس اصل و خوب در کار عطر و ادکلن حرف اول را می‌زند. ما سعی می‌کنیم عطرهای اصل و اصل به دست مشتری‌ها برسانیم و مشتری‌های ما از قدیمی‌ها هستند و ما را می‌شناسند.»

او در پی ممنوعیت‌های اخیر خود دست به کار می‌شود و برای خرید عطر مدام به مسافرت می‌رود تا عطرهای معتبر و شناخته شده را به دست مشتری‌ها برساند و اغلب بنا به فهرست سفارش‌هایی که از مشتری‌ها می‌گیرد خرید می‌کند. روشنی افزایش قیمت ارز در داخل کشور را اصلی‌ترین علت گران شدن عطر بیان می‌کند و در پاسخ به سوالاتی مبنی بر چگونگی فعالیت بازار عطرهای فیک یا تبعات استفاده از عطر تقلبی می‌گوید: «توصیه من این است اگر توانایی خرید عطرهای اصلاً ریشه‌دار و شناخته شده وجود دارد، مردم نباید عطر فیک خریداری کنند؛ چون این قبیل اجناس مشکلات سلامتی مانند بیماری‌های پوستی تنفسی جدی را ممکن است سبب شوند.»

وی می‌گوید برندهای شنل، دیور، دولچه گابانا، کنزو، لالیک، آزارو، مون بلان و مخصوصاً یوسن لوران همیشه در فهرست خرید وی بوده‌اند و مشتری‌ها از این برندها خیلی استقبال می‌کنند: «متقاضیان عطر را از فروشگاه‌های معتبر تهیه و از عطرهای ریشه‌دار و شناخته شده استفاده کنند.»



طبقه دوم تغییر کاربری داده است. ساختمان اداری هم در دو طبقه به مساحت تقریبی ۷۰۰ متر مربع در شمال پارک و کتابخانه واقع شده است. کتابخانه عمارت، مکان مناسبی برای بهره‌مندی از لذت مطالعه و گذران اوقات فراغت است که ۷ هزار جلد کتاب تاریخی و کهن دارد و علاقه‌مندان می‌توانند برخی از کتاب‌های این مجموعه را نیز امانت بگیرند. این مجموعه تاریخی و فرهنگی در محله مشیره و در ضلع غربی بوستان پامچال قرار دارد.

کاربری، تا سال‌های اخیر رایج بود. عمارت امیرسلیمانی، تا سال یک‌هزار و سیصد و شصت و دو، همچنان در مالکیت خاندان امیرسلیمانی بود تا اینکه بنیاد مستضعفان این ملک را خریداری کرد و به‌منظور استفاده عامه مردم، در اختیار شهرداری تهران قرار داد. ساختمان کوکش، پس از مرمت به کتابخانه تخصصی در فضای سبز و عمومی بوستان آزادگان تبدیل شده و به دو طبقه منفک مخازن کتاب در طبقه اول و سالن‌های مطالعه و اتاق رایانه در

این جا ببینید



کمی دارد، این است که به‌عنوان خانه ویلاقی و در فصول برداشت محصول مورد استفاده قرار می‌گرفته است. گنجری‌هایی در طبقه اول مشاهده می‌شود اما در طبقه همکف تزئیناتی به چشم نمی‌خورد؛ چراکه مورد استفاده خدمه بوده. نمونه گنجری دیگری که در این بنا دیده می‌شود، ستون‌ها و سر ستون‌ها هستند که به شیوه آونیک کار شده‌اند.

شاه‌نشین خالی اما باشکوه

بعد از عبور از ورودی به فضای تقسیم می‌رسیم که با یک حوض هشت‌ضلعی تعریف می‌شود که در شبستان عمارت قرار دارد و با سرامیک‌های رنگارنگ تزئین شده است. دور تادور این حوضچه هم، اتاق‌های روبه‌روی هم و قرینه قرار گرفته‌اند که امروز به کتابخانه‌ای با صدها کتاب تاریخی تبدیل شده است. در واقع، فضایی که امروز به‌عنوان کتابخانه مورد استفاده قرار گرفته، به نظر می‌رسد برای خدمه و افرادی بوده که در باغ مشغول به کار بودند؛ نحوه قرارگیری فضاها در کنار هم ابعاد فضاها، راهروهای کم‌عرض و باریک، کاملاً نشانگر این موضوع است.

در کنار حوضچه، دو راه‌پله، بساط‌های کوتاهی قرار دارد که از میان شبستان گذشته و به طبقه دوم می‌رود؛ همان طبقه شاه‌نشین که سالانی بزرگ است و با اینکه امروز خالی و بدون وسیله است اما شکوه روزهای پرفرکت‌وآمد آن را هنوز می‌توان تصور کرد. مقابل این شاه‌نشین هم دو بالکن در ضلع‌های شمال و جنوب عمارت قرار دارد که چشم‌انداز زیبایی را ایجاد کرده است.

امیرسلیمانی، در این اراضی کشت و کار می‌کرد و این نوع

کاخ‌ی برای برداشت برنج و زعفران در تهران

کوشک امیر سلیمانی؛ بیلاق نماینده مجلس سنا



الیه باقری سنجرئی
هفت صبح

کمی از باغات شمیران و کوه‌های شمال تهران دور شویم و به جنوب شرق پایتخت برسیم؛ جایی حوالی مشیره، از محله‌های قدیمی تهران. در آنجا، کمی دور‌تر از هیاهوی شهر، بوستان پامچال، میزبان یکی از عمارت‌های قاجاری است؛ ساختمان سیمانی سفیدی به نام کوشک امیرسلیمانی. علیرضا خان قوالنوی قاجار، ملقب به عضدالملک، برادرزاده مهد اولیا بود و از کودکی، در دربار قاجار مشغول به کار شد. بعدها که به ریش‌سفید معروف شد، محمدعلی شاه را در سفرهای فرنگ همراهی می‌کرد و همان‌ا بود که صندوق عدالت را تأسیس کرد تا هر که شکایتی از مقامات دارد، بتواند در آن ببینداز. عضدالملک، پس از محمدعلی شاه، پرستار و وکیل احمدشاه کوچک می‌شود. در آن زمان، عضدالملک، اراضی‌ای متعلق به روستای اصفهانک در جنوب شرقی تهران را خریداری کرد و به پسرش، مصطفی‌خان مشیرالسلطنه هدیه کرد. مصطفی‌خان که نام خانوادگی امیرسلیمانی را برگزید، از رجال صوفی‌مدسلک قاجار و پهلوی و نماینده مجلس سنای ایران بود. مشیرالسلطنه در داخل این اراضی، عمارتی ایرانی ساخت که به کوشک امیرسلیمانی مشهور شد. نام سلیمانیه هم از همین زمان به اراضی روستای اصفهانک اطلاق شد. شواهد نشان می‌دهد که مظهر قنات هاشم‌آباد و محمودآباد در داخل این کوشک بوده و همین باعث شده که امیرسلیمانی، در این باغ ۱۰ هکتاری که شامل شهرک رضویه، مشیره، کاشنهر و میدان خراسان امروزی می‌شود و از جنوب



این مدل مو و لباس پوشیدن سلیقه آنهاست یا نه؟ شاید نوجوانان یا جوانان احساساتی استقلال در فضای مجازی به تعریف و تمجید از ستاره ملی پوش آبی‌ها بپردازند اما هرگز سلیقه استقلال‌های واقعی و دلسوز نیست. به گواه همه فوتبالی‌ها و حتی پرسپولیسی‌ها، مرحوم ناصر حجازی خوش‌پوش‌ترین و خوش‌تیپ‌ترین فوتبالیست تاریخ کشورمان بوده است. رامین رضاییان می‌تواند از خانواده زنده‌یاد حجازی بپرسد آن مرحوم لباس‌هایش را از کجا و با چه قیمتی تهیه می‌کرد؟ آیا آن مرحوم خودنمایی می‌کرد یا خودش را به رخ می‌کشید؟ هرگز و هرگز!

خبر ویژه

چه کسی می‌تواند این استقلال رانجات دهد؟

چیزی است که در حال حاضر تیم استقلال به آن نیاز دارد. هر چند می‌تواند چندان دلپذیر نباشد اما ارزشش را دارد که او را در نظر داشته باشیم و انتخاب کنیم. ریکاردو سایننتو به استقلال آمد و بلافاصله هم سوپر جام را به تراکتور تبریز باخت. گرچه مرد پر تغالی در هفته اول مسابقات لیگ‌برتر انتقام آن شکست را از تیم اسکوچیچ گرفت اما در هفته دوم ۳ گل از ذوب آهن اصفهان خورد تا همه طرفداران استقلال را به فکر فرو ببرد. به راستی چه کسی قرار است استقلال را نجات دهد؟ سایننتو یا پیچ منتسب به مدیری که استوری با استیکر بمب منتشر می‌کند؟ شاید هم مدیری که راهی زاهدان می‌شود تا به همراه یک پرسپولیسی (بخوانید فداحسین مالکی رئیس سابق هیئت مدیره باشگاه پرسپولیس!) تیم استقلال زاهدان را رانندازی کند! به نظر می‌رسد باشگاه استقلال با چنین مدیرانی و چنان سرمربی که در همین چند هفته گذشته نیز جنجال‌هایی داشته، کار سختی برای قهرمانی پیش روی داشته باشد. این در حالی است که پرسپولیس هم مشکلات مدیریتی دارد اما استقلال خودش نمی‌خواهد از این فرصت مناسب استفاده کند.

این مربی پر تغالی به علاوه خصوصیات اخلاقی او مهم‌ترین انتقادات وارده در جلسه هیئت مدیره باشگاه استقلال به حساب می‌آید اما در نهایت باز به سایننتو رسیدیم. فرهاد مجیدی دوست داشت این پر تغالی خورد. مردی که به‌رغم حواشی و رفتار تندش، سبک بازی هجومی را در دوره اول حضورش در استقلال اجرا کرده بود.

یکی از اعضای هیئت مدیره باشگاه استقلال در این رابطه به هفت‌صبح گفت: «سایننتو ایرادات رفتاری زیادی داشته و دارد اما در این مقطع بهترین گزینه به نظر می‌رسد. محرومیت ۴ ماهه

گزینه‌های سرمربیگری خارجی استقلال از مذاکره با این باشگاه و حضور در تهران انصراف بدهند. هواداران استقلال مدتی می‌شد یاد ریکاردو سایننتو افتاده بودند و در نهایت نیز قرعه به نام این پر تغالی خورد. مردی که به‌رغم حواشی و رفتار تندش، سبک بازی هجومی را در دوره اول حضورش در استقلال اجرا کرده بود.

یکی از اعضای هیئت مدیره باشگاه استقلال در این رابطه به هفت‌صبح گفت: «سایننتو ایرادات رفتاری زیادی داشته و دارد اما در این مقطع بهترین گزینه به نظر می‌رسد. محرومیت ۴ ماهه



از ناصر حجازی تا رامین رضاییان!

آقای ستاره! مدل موی شما سلیقه استقلال نیست

گروه ورزش | شماره ۱۰ تیم استقلال و مدافع راست تیم ملی ایران پس از بازی ایران و هند، از راه دور مهمان تصویری برنامه فوتبال‌برتر بود.

رامین رضاییان که پیش‌تر با مدل موی عجیب خودش سوژه مهدی تاج رئیس فدراسیون فوتبال شده بود، این بار کنایه به مدل موی خودش را با شوخی و خنده رد نکرد و جواب محمدحسین میثاقی را داد.

ستاره تیم استقلال و ملی‌پوش باتجربه کشورمان شاید فراموش کرده که نقش ستاره‌ها در اجتماع بسیار پررنگ است. ستاره‌ها مدل، الگو و مرجع قرار می‌گیرند و با داشتن خصلت‌های خوب اخلاقی و انسانی می‌توانند تأثیرات مفید و مثبتی را در جامعه بگذارند. اگر قهرمانان در جهت درست گام بردارند، می‌توانند الگوهای مناسبی برای این گروه سنی باشند و عکس این موضوع نیز صادق است. به اعتقاد ما ستاره‌ها نباید در جایگاه خودنمایی و به رخ کشیدن ثروت خود قرار بگیرند و فکر کنند می‌توانند

جوان ۲۰ ساله تیم فوتبال پرسپولیس چند روزی در تمرینات این تیم غیبت کرد تا همه را شوکه کند

غوره نشده مویز نمی‌شوی آقای برار جعه!



به وجود بیاورد. بر این اساس و با توجه به محرومیت سرژ اوریه (به خاطر هیاتیت) سهیل صحرایی را از دفاع وسط به سمت راست خط دفاعی تیمش منتقل و از حسین ابرقویی‌نژاد در کنار محمدحسین کنعانی‌زادگان استفاده کرد. عملکرد فوق‌العاده سهیل صحرایی در سمت راست خط دفاعی پرسپولیس برابر سپاهان توجه همگان را به این جوان جلب کرد. اتفاقی که ظاهراً خوشایند یعقوب برار جعه نبود و واکنش منفی او را به دنبال داشت.

در این رابطه اخبار مختلفی به گوش می‌رسد؛ از فرستادن برار جعه به پشت دروازه در تمرین پرسپولیس از سوی وحید هاشمیان بگیرد تا درخواست ۲۰ برابر شدن قراردادش و امتحانات تحصیلی و...! کدام یک از این اخبار و شنیده‌ها درست است یا نه، مهم نیست و آنچه اهمیت دارد مربوط به خود یعقوب برار جعه است. جوانی که به نظر می‌رسد غوره نشده تصمیم گرفته مویز شود و رفتار عجیبی را در پیش گرفته است. یعقوب برار جعه شاید نمی‌داند اما آنهایی که نزدیک به او هستند می‌دانند باید سرنوشت و قصه پیام صادقیان بازیکن با استعدادی به مراتب بالاتر را یک بار برای این جوان تعریف کنند، باشد که...

گروه ورزش | یعقوب برار جعه یکی از استعدادهای فوتبالی اصفهان و کاشان است که نزدیک به پنج سال پیش توجه مربیان تیم ملی را به خود جلب می‌کند و حالا با گذشت پنج سال در یکی از تیم‌های پرافتخار ایران پا به توپ می‌شود. بدون شک مطرح شدن نام یعقوب برار جعه غیر مرتبط با اعتماد اسماعیل کار تال به او نیست؛ چرا که این بازیکن همچنان می‌توانست یکی از مهره‌های ناشناخته فوتبال ایران باشد، اما از زمانی که اسماعیل کار تال تصمیم گرفت فرصت بازی بیشتری را در اختیار او قرار دهد، نشان داد از جمله بازیکنان جوانی است که در صورت اعتماد می‌تواند آینده درخشانی را برای خود رقم بزند.

در شروع فصل جاری هم وحید هاشمیان باز به یعقوب برار جعه اعتماد کرد و در هفته اول لیگ بیست و پنجم و به بازی با فجر سپاسی شیراز از این جوان در ترکیب اصلی استفاده کرد.

با این وجود یعقوب برار جعه نتوانست از این فرصت استفاده کند. او عملکرد قابل قبولی در این دیدار نداشت. وحید هاشمیان پس از تساوی یک-یک مقابل فجر سپاسی تصمیم گرفت تغییراتی در خط دفاع خود در بازی با سپاهان

متهم پس از قتل همسر با باز گذاشتن شیر گاز صحنه‌سازی کرد

شکی که به جنایت ختم شد

فاطمه شیخ‌علیزاده دبیر حوادث

۱۲ مرداد ماه سال ۱۴۰۳ زن جوانی وحشت‌زده و در حالی که هق‌هق‌های گریه به او امان صحبت کردن نمی‌داد با مأموران پلیس تماس گرفت و خبر از کشف جسد بی‌جان خواهرش به نام نگار را در خانه مسکونی او واقع در پاکدشت داد. با این تماس بلافاصله مأموران پلیس آگاهی به همراه تیم جنایی در محل کشف جسد حاضر شده و تحقیقات برای روشن شدن راز ماجرا آغاز شد. این در حالی بود که مأموران تشخیص هویت پلیس آگاهی در بررسی ابتدایی و تن‌پیمایی جسد خفگی عمدی مقتول به نام نگار را از طریق انسداد راه تنفسی او تأیید کردند.

اظهارات خواهر مقتول

خواهر نگار به عنوان نخستین کسی که جسد او را کشف کرده بود، در اولین قدم از تحقیقات جنایی هدف بازجویی مأموران قرار گرفت.

این زن جوان که در مواجهه با پیکر بی‌جان خواهرش به شدت اندوهگین بود به مأموران گفت: «خواهرم سال ۹۹ از شوهرش جدا شده بود و از همان زمان در این آپارتمان به تنهایی زندگی می‌کرد. او کار می‌کرد تا زندگی خودش را بگذراند و با زحمت کنشی زندگی می‌کرد تا اینکه حدود یک سال قبل خیلی اتفاقی با شوهر فعلی خود به نام شایان آشنا شد. شایان به خواهرم ابراز علاقه می‌کرد و می‌گفت که او را خوشبخت می‌کند اما نگار به خاطر تجربه شکست قبلی خود در زندگی مشترک دلش نمی‌خواست به راحتی بار دیگر تن به ازدواج دهد.»

خواهر نگار ادامه داد: «اصرارهای شایان تمامی نداشت و خود را به شدت عاشق و دلباخته خواهرم نشان می‌داد. بالاخره پنج ماه پیش دل خواهرم نرم شد و به ازدواج با شایان رضایت داد. نگار و شایان بعد از ازدواج ساکن همین آپارتمان شدند و زندگی خود را زیر همین سقف شروع کردند.»

اختلافات زن و شوهری

خواهر نگار در ادامه اظهارات خود راجع به اختلافات نگار و شوهرش گفت: «در تمام این پنج ماه خواهرم با شوهرش اختلافات خیلی شدیدی داشت. خواهرم بعد از ازدواجش فهمید که شایان اعتیاد دارد و مرد بسیار شکاک و بددلی است. شایان همه جا نگار را تعقیب می‌کرد و لحظه‌ای دست از کنترل او برنمی‌داشت. او بی‌جهت و بدون هیچ دلیل و مدرکی به نگار تهمت می‌زد و بالاخره این رفتارهایش اینقدر امان خواهرم را برید که

بار تلفنم را بی‌پاسخ گذاشت و واقعا دلشوره گرفته بودم چون من و نگار همیشه از حال همدیگر خبر داشتیم و امکان نداشت او چندین ساعت سراغ گوشه‌ی تلفن همراهش نرود. بالاخره دلشوره و نگرانی من اینقدر زیاد شد که از وسط کار خود بلند شدم و مقابل در خانه خواهرم آمدم. هر چه زنگ آیفون را زدم او جوابی نداد و حالا دیگر مطمئن شده بودم که برای خواهرم اتفاق بدی افتاده است. یک‌دفعه پادم افتاد که نگار همیشه یک کلید یدک پشت گلدان داخل راه پله نگهداری می‌کند تا اگر روزی کلیدش را گم کرد یا جا گذاشت پشت در خانه‌اش نماند. فوراً سراغ آن کلید رفتم و وقتی در را باز کردم وحشت زده فقط فریاد می‌زدم. جسد بی‌جان خواهرم با صورت کبود وسط هال خانه‌اش افتاده بود و کمی آن طرف‌تر هم شایان بی‌حال و خون‌آلود روی زمین افتاده بود. در خانه بوی شدید گاز هم می‌آمد. با صدای جیغ من همسایه‌ها سر رسیدند و اورژانس را خبر کردند. شایان هنوز زنده بود و به بیمارستان منتقل شد اما نگار دیگر جان باخته بود. خواهرم بعد از تصمیم به جدایی تنها زندگی می‌کرد و علت ورود شایان به خانه‌اش در شب حادثه را نمی‌دانم.»

اعتراف به قتل

با اطلاعاتی که خواهر نگار در اختیار مأموران قرار داد، شایان به عنوان تنها مظنون پرونده تحت‌بازجویی قرار گرفت. متهم پس از بهبود نسبی در بیمارستان در اولین بازجویی به قتل اعتراف کرد و گفت: «مدتی بود متوجه رفتار مشکوک همسرم شده بودم و شکی برابرم نمانده بود که او به من خیانت می‌کند. برای همین با او اختلاف پیدا کردم و او تقاضای طلاق کرد. شب حادثه برای صحبت کردن با او به خانه‌اش رفتم. همان موقع متوجه کیبودی روی سر شانه‌اش شدم و خون به جوش آمدم. به او گفتم مطمئنم این کیبودی آثار رابطه تو با مرد غریبه‌ای است. اما او قبول نمی‌کرد. اینقدر خشمگین بودم که خون جلوی چشمم را گرفته بود. برای همین پتویی را که روی رختخواب نگار افتاده برداشتم و روی سرش کشیدم و با همان پتو خفه‌اش کردم. بعد از اینکه دیدم دیگر نفس نمی‌کشد تصمیم گرفتم شیر گاز را باز کنم تا با صحنه‌سازی مرگ او را گازگرفتگی جلوه دهم. می‌خواستم خودم هم با گاز بمیرم اما وقتی چند ساعتی گذشت و دیدم هنوز زنده‌ام، یک کارذ میوه خوری برداشتم و با آن خودزنی کردم تا به زندگی‌ام پایان دهم.»

بعد از ثبت اقرار صریح متهم و انجام بازسازی صحنه جرم توسط او، با طی روال قانونی در پرونده و صدور کیفرخواست، پرونده برای رسیدگی به شعبه سیزدهم دادگاه کیفری یک استان تهران از جاع شد. در موعد حاکمه متهم، به دلیل عدم انتقال او از زندان جلسه رسیدگی تجدید شد و به این ترتیب متهم به زودی پای میز محاکمه خواهد رفت.

تقاضای طلاق کرد و حتی دادخواست او در دادگاه هم ثبت شده بود. از همان موقع که نگار تصمیم به جدایی گرفت شایان از خانه او رفت و جدا زندگی می‌کردند اما نمی‌دانم چه اتفاقی افتاده بود که روز حادثه باز هم با یکدیگر دیدار داشتند.»

روز حادثه

خواهر نگار در مورد روز حادثه به مأموران جنایی اینطور توضیح داد: «روز حادثه با نگار تماس گرفتم تا جویای حالتش شوم اما جواب نداد. چند



متهم بعد از اقدام نافرجام به خودکشی به اتهام خود اقرار کرد

کار تن خواب شدن جوان شهرستانی

مرد گم شده مشهدی در ترمینال جنوب تهران پیدا شد

پیگیری‌های فنی و مخابراتی نشان داد او بعد از ناکامی در این ماجرا، نه پولی برای برگشت داشته و نه جایی برای ماندن

پرونده گم‌شدن مرد جوانی که از مشهد راهی تهران شده بود، با تلاش کار آگاهان پلیس آگاهی به سرانجام رسید. این جوان که برای پیدا کردن کار به پایتخت آمده بود، سر از کارتن‌خوابی در ترمینال جنوب درآورد. ماجرا از آنجا شروع شد که چندی قبل، مردی به اداره چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ مراجعه کرد و پرده از سرنوشت تلخ برادرش برداشت. او گفت: «برادرم مکانیک است اما مدتی است در گیر اعتیاد شده. او را به کمپ ترک معرفی کردیم ولی فرار کرد. بعد از آن، یک روز به خانه آمد و گفت می‌خواهد به تهران برود و در یکی از شرکت‌های بزرگ خودروسازی کار پیدا کند اما از وقتی به پایتخت آمده، دیگر هیچ خبری از او نداریم. تلفنش هم خاموش است.»

با ثبت این شکایت، پرونده‌ای در دادرای ناحیه ۲۷ تشکیل شد و تیمی از کارآگاهان با دستور باز پرس جنایی پیگیری ماجرا را آغاز کردند. نخستین بررسی‌ها از بیمارستان‌ها و پزشکی قانونی نتیجه‌ای دربرداشت و هیچ سرنخی از مرد گم‌شده به دست نیامد.

کارآگاهان در ادامه دریافتند مرد جوان بعد از رسیدن به تهران تصمیم داشته خودش را برای مصاحبه شغلی در شرکت موردنظر آماده کند. به همین خاطر وارد یک فروشگاه لباس و عطر شده و با پولی که همراه داشته، کت‌وشلوار و ادکلنی گران‌قیمت خریده تا ظاهری آراسته داشته باشد. اما در نهایت موفق نمی‌شود نوبت مصاحبه بگیرد.

پیگیری‌های فنی و مخابراتی نشان داد او بعد از ناکامی در این ماجرا، نه پولی برای برگشت داشته و نه جایی برای ماندن. در نهایت سر از ترمینال جنوب درآورده و همان‌جا به جمع کارتن‌خواب‌ها



